

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقہ ۲

سطح ۲

درس ۸

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای شم‌آبادی

احکامی که در مورد نماز وجود دارد به سه بخش مقدمات، مقارنات و مبطلات تقسیم می‌شوند. یکی از مقدمات نماز، طهارت بدن و لباس از نجاست می‌باشد که در اصطلاح «طهارت از خبث» نام دارد؛ پس باید بدن و لباس نمازگزار نجس نباشد مگر در مواردی که شارع مقدس آن نجاست‌ها را استثنا نموده و وجود آنها را برای نماز فاقد اشکال دانسته است که در درس گذشته برخی از موارد آن بیان گردید. از دیگر مقدمات نماز این است که انسان با توجه به شرایط و موارد مختلف وضو، غسل یا تیمم نماید و به اصطلاح «طهارت از حدث» نامیده می‌شود. اگر انسان بدون طهارت از خبث نماز بخواند، در صورت نسیان نجاست، نماز باطل بوده و نیاز به اعاده دارد؛ ولی در صورت جهل به نجاست نیازی به اعاده نیست؛ اما اگر شخص بدون طهارت از حدث نماز بخواند در هر حال نماز او باطل است و نیاز به اعاده دارد. در این درس به بررسی دلایل این احکام پرداخته می‌شود. در ادامه شرط چهارم که همان ستر عورت در نماز است، همراه با مسائل و مستندات آن بیان خواهد شد.

متن عربى

٢. و أما اعتبارها من الخبث فى اللباس فمما لا كلام فيه. و تدل عليه الروايات الكثيرة كصحيحة زرارة: «قلت له: اصاب صوبى دم رعاف او غيره او شىء من المنى فعلمتُ أثره الى أن اصاب له الماء فاصبت و حضرت الصلاة و نسيت أن بثوبى شيئاً و صليت ثم إنى ذكرت بعد ذلك. قال: تعيد الصلاة و تغسله» وغيرها.
- و إضمار الصحيحة لا يضر بعد كون المضمرة من اجلاء الصحاب الذين لا تليق بهم الرواية عن غير الامام.
٣. و أما اعتبارها فى البدن, فهو ثابت بالاولوية.
٤. و أما وجوب الاعادة على من صلى مع الحدث مطلقاً فلاطلاق الشرطية المستفادة من الاية الكريمة و صحيحة زرارة المتقدمتين. و يدل على ذلك ايضاً حديث لاتعاد بعد كون الطهارة من الحدث من احد الخمسة المستثناة.
٥. و أما الجاهل و الناسى للطهارة من الخبث, فمقتضى اطلاق المستثنى منه فى حديث لاتعاد عدم وجوب الاعادة عليهما الا أن صحيحة زرارة دلت على أن الناسى يعيد دون الجاهل.
- أما الفقرة الدالة فيها على وجوب الاعادة على الناسى فقد تقدمت. و اما الفقرة الدالة على عدم وجوب الاعادة على الجاهل, فهي: «قلت: فان ظننت أنه قد أصابه و لم أتيقن ذلك فنظرت فلم ار فيه شيئاً ثم صليت فرأيت فيه, قال: تغسله و لاتعيد».
- و على هذا تكون صحيحة زرارة مخصصة لقاعدة لاتعاد بلحاظ الناسى.

سترالعورة

- لاتصح الصلاة الا مع سترالعورة. و هى فى الرجل القضيبي و الانثيان و الدبر. و فى المرأة جميع بدنها الا الوجه - بمقدار ما يبرز عند الخمار - و الكفين الى الزندين و القدمين الى الساقين.
- و يعتبر فى الساتر مضافاً الى طهارته اباحته على المشهور, و عدم كونه من أجزاء ما لا يوكل لحمه, و لا من أجزاء غير المذكى.

و يعتبر للرجال أن لا يكون من الذهب او الحرير الخاص.

و المستند فى ذلك:

١. أما لزوم الستر فى الصلاة, فقد ذكر فى المستمسك ان استفادته من النصوص حتى لحالة عدم الناظر غير ممكنة, و العمدة هو الاجماع.

هذا و الظاهر إمكان ذلك فى صحيحة صفوان أنه كتب الى ابى الحسن يسأله: «الرجل معه ثوبان فاصاب احدهما بول و لم يدر أيهما هو و حضرت الصلاة و خاف فوتها و ليس عنده ماء كيف يصنع؟ قال: يصلى فيهما جميعاً». فانه بترك الستفصال يفهم وجوب الستر و الا كان المناسب الاكتفاء بالصلاة عارياً حالة الأمن من الناظر.

دلیل وجوب طهارت لباس از خبث

لزوم طهارت لباس از خبث، اجماعی است و همه فقها فتوا داده‌اند که طهارت از خبث در لباس، لازم است. دلیل این مسئله روایات فراوانی از جمله صحیحۀ زراره می‌باشد که نقل می‌کند: عرض کردم خون بینی یا خون غیر بینی یا منی به لباسم اصابت کرد، من جای آن را علامت گذاشتم تا بعد آن را تطهیر کنم؛ اما هنگامی که به آب دسترسی پیدا کردم وقت نماز شد و من فراموش کردم که لباسم نجس است، و با همان حال نماز خواندم سپس یادم آمد. امام(ع) فرمود: باید نماز را اعاده نموده و لباس را تطهیر کنی.

از این روایت استفاده می‌شود که اگر شخص نجاست لباس را فراموش کند و با همان حال نماز بخواند باید نمازش را دوباره بخواند؛ پس طهارت از خبث در لباس نمازگزار معتبر و لازم است.

اشکال مضمهره بودن روایت

شبهه‌ای که در مورد این روایت مطرح می‌شود این است که روایت «مضمهره» است؛ یعنی معلوم نیست زراره این روایت را از چه کسی نقل نموده است؛ چون زراره عبارت «قلت له»^۱ به کار برده است در حالی که معلوم نیست ضمیر «له» به چه کسی برمی‌گردد.^۲

پاسخ

گرچه این روایت مضمهره است، اما از نظر سندی اشکال ندارد و حجت است؛ چون شخصی که روایت را به صورت مضمهره نقل نموده زراره است و ما یقین داریم که زراره فقط از معصوم روایت نقل می‌کند؛ چرا که زراره از بزرگان اصحاب و راویان است و در شأن چنین افرادی نیست که از غیر معصوم روایت نقل کنند. لذا با اینکه روایت مضمهره است، اما حجت بوده و معتبر می‌باشد و می‌توان بر اساس آن به لزوم طهارت لباس از خبث فتوا داد.

دلیل لزوم طهارت بدن از خبث

گرچه روایت زراره در مورد لباس است، - چون زراره در مورد اصابت خون یا منی به لباس سؤال کرد و امام(ع) نیز در مورد بدن چیزی نفرموده است -، اما از این روایت به قیاس اولویت^۳ می‌توان لزوم طهارت بدن از نجاست را استفاده نمود؛ چون وقتی شارع مقدس راضی نیست در حال نماز حتی لباس انسان که عارض بر

۱. باید توجه داشت در کتاب استبصار، ج ۱، ص ۱۸۳ و نیز تهذیب، ج ۱، ص ۴۲۱ که این روایت نقل شده است کلمه «له» ندارد و به شکل «قلت اصاب ثوبی...» آمده است و در وسائل الشیعه نیز در چهار مورد این کلمه وجود ندارد و تنها در یک مورد این کلمه آمده است.

۲. روایت «مضمهره» به روایتی گفته می‌شود که در آن مرجع ضمیر مشخص نبوده یا به عبارت دیگر «مروی عنہ» معلوم نباشد.

۳. قیاس اولویت آن است که وجود حکمی در فرع (موضوعی که می‌خواهیم حکم را در مورد آن اثبات کنیم) نسبت به وجود آن در اصل (موضوعی که حکم در مورد آن ثابت است) روشن‌تر باشد.

انسان است نجس باشد و طهارت لباس را در نماز لازم می‌داند، چطور می‌تواند به نجس بودن بدن نمازگزار راضی باشد؛ لذا از این روایت به طریق اولی استفاده می‌شود که طهارت در بدن نیز شرط است.^۱

ادله لزوم اعاده نماز در صورت جهل یا نسیان طهارت از حدت

در درس قبلی گفتیم اگر کسی نماز بخواند و بعد از نماز متوجه شود که وضو نداشته است باید نماز را اعاده نماید؛ فرقی هم نمی‌کند که عمداً وضو نگرفته یا وضو گرفتن را فراموش کرده باشد، یا به دلیل جهل به لزوم طهارت، نماز را بدون وضو خوانده باشد.

برای این حکم چند دلیل می‌توان اقامه نمود:

دلیل اول: اطلاق آیه شش سوره مائده

در سوره مائده خدای متعال می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اذا قمتم الى الصلوة فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم».^۲ این آیه شریفه نسبت به شرط بودن طهارت نسبت به نماز، اطلاق دارد و دستور به تطهیر داده و طهارت را برای نماز، لازم دانسته و هیچ حالتی را استثنا نکرده و نیز نگفته است که اگر ناسی یا جاهل بودید طهارت لازم نیست؛ لذا چه شخص به دلیل جهل و نسیان وضو نداشته باشد و چه عمداً بدون طهارت نماز بخواند، بر اساس اطلاقی که در این آیه شریفه وجود دارد باید نماز را دوباره بخواند.

دلیل دوم: اطلاق صحیحۀ زراره

امام (ع) در این صحیحۀ فرمود: «لا صلوة الا بطهور»^۳؛ یعنی نماز بدون طهارت نماز نیست و نیاز به اعاده یا قضا دارد. و این روایت اطلاق دارد و جایی را که شخص عمداً یا به دلیل فراموشی یا به سبب جهل به مسئله، نماز را بدون طهارت خوانده باشد شامل می‌شود.

دلیل سوم: حدیث «لا تعاد»

۱. اگر شخص با لباس یا بدن نجس نماز بخواند، در مورد جهالت او سه صورت تصور می‌شود:

الف) جهل به حکم به این شکل که نداند فلان شیء نجس است. در این حالت نماز درست است.

ب) جهل به حکم به این شکل که نداند صحت نماز مشروط به طهارت لباس یا بدن است. در این حالت نیز نماز درست است.

ج) جهل به موضوع به این معنا که نمی‌دانسته بدن یا لباس او مثلاً به سبب بول نجس شده است.

موضوع بحث در این درس‌ها نوع سوم از جهل است که مصنف معتقد است نماز در این حالت نیز درست است.

به عبارت سید یزدی (ره) در این قسمت توجه کنید:

إذا صلی فی النجس فإن کان عن علم و عمد بطلت صلاته و کذا إذا کان عن جهل بالنجاسة من حیث الحکم بأن لم یعلم أن الشیء الفلانی مثل عرق الجنب من الحرام نجس أو عن جهل بشرطية الطهارة للصلاة و أما إذا کان جاهلاً بالموضوع بأن لم یعلم أن ثوبه أو بدنه لاقى البول مثلاً فإن لم یلتفت أصلاً أو التفت بعد الفراغ من الصلاة صحت صلاته و لا یجب علیه القضاء بل و لا الإعادة فی الوقت و إن کان أحوط. (العروة الوثقی، ج ۱، ص ۹۴).

۲. مائده: ۶.

۳. مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهْوَرٍ (وسائل الشیعة، ج:

۱ ص: ۳۶۵).

در این روایت، یکی از مواردی که از عدم لزوم اعاده استثنا شده - و به عبارت دیگر اعاده در آن مورد لازم است - جایی است که شخص بدون طهارت از حدث نماز بخواند و لزوم اعاده در این روایت نیز مطلق است و عدم کسب طهارت، از روی عمد، جهل و نسیان را شامل می‌شود.

دلیل لزوم اعاده در صورت نسیان تطهیر لباس یا بدن

یکی از احکامی که قبلاً پیام کردیم این بود که اگر شخص قبل از نماز متوجه نجاست بدن یا لباس خود شده باشد؛ اما تطهیر آن را فراموش کند و با همان حال نماز بخواند باید نماز خود را اعاده نماید. دلیل این حکم قسمتی از صحیحۀ زراره است که در آن زراره سؤال می‌کند نجاست به لباس من برخورد کرد ولی من هنگام دسترسی به آب، فراموش کردم آن را بشویم، وظیفۀ من چیست؟ امام(ع) می‌فرماید: لباست را بشوی و نمازت را دوباره بخوان.

مقتضای حدیث لا تعاد در مسأله

اطلاق مستثنی‌منه در حدیث «لا تعاد»^۱ اقتضا می‌کند که اگر شخص به دلیل نسیان یا جهل با بدن یا لباس نجس نماز خواند، نمازش درست باشد؛ زیرا مراد از «طهور» در این روایت، طهارت از حدث است، و طهارت از خبث داخل در مستثنی‌منه می‌شود و حکم عدم اعاده بر آن مترتب می‌شود.^۲

مدلول صحیحۀ زراره در این مسأله

صحیحۀ زراره دلالت می‌کند بر اینکه اگر شخص نجس بودن را فراموش کرد و با همان حال نماز خواند، نماز او باطل است و باید نمازش را اعاده نماید.

حل تعارض مدلول حدیث «لا تعاد» و صحیحۀ زراره

صحیحۀ زراره، حدیث «لا تعاد» را نسبت به حالت نسیان تخصیص می‌زند و حکم عدم اعاده بر این حالت مترتب می‌شود.^۳

۱. سند روایت در کتاب خصال شیخ صدوق(ره) چنین است: حدثنا ابي رضي الله عنه قال حدثنا سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد بن عيسى عن الحسين بن سعيد عن حماد بن عيسى عن حريز عن زرارَةَ عن ابي عبد الله(ع) قال: لَا تُعَادُ الصَّلَاةُ إِلَّا مِنْ خُمْسَةِ الطَّهْرِ وَالْوَقْتِ وَالْقِبْلَةِ وَالرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ(الخصال ج: ۱ ص ۲۷).

۲. در حدیث «لا تعاد» مراد از مستثنی، موارد پنج‌گانه‌ای است که اگر در نماز به آنها اختلال وارد شود نیاز به اعاده وجود دارد و مراد از مستثنی‌منه عنوان «من شیء» است که به دلیل وضوح حذف شده است و روایت در اصل این‌گونه بوده است: «لا تعاد الصلاة من شیء الا من خمسة: الطهور والوقت والقبة والركوع والسجود».

۳. مشهور در این مسأله همانند مصنف فتوا داده‌اند و حتی در کتاب غنیه ادعای اجماع نیز شده است و نصوص مستفیضه بر آن دلالت می‌کند که در کتاب مسائل الشیعه باب ۴۰ و ۴۲ از ابواب نجاست روایات آن آورده شده است؛ اما به مرحوم شیخ طوسی(ره) نسبت داده شده است که ایشان قائلند در این حالت نماز درست است و محقق(ره) در معتبر به این قول میل پیدا نموده و صاحب مدارک به صورت جزئی آن را اختیار نموده است. دلیلی که برای این قول ذکر شده، صحیحۀ علاء از امام صادق(ع) است که نقل می‌کند: «سألته عن الرجل يصيب ثوبه الشيء ينجسه، فينسى أن يغسله فيصلي فيه، ثم يذكر أنه لم يكن غسله، أيعيد الصلاة؟ قال(ع): لا يعيد. قد مضت الصلاة وكتب له»؛ اما گفته شده روایات قول برای تحقیق بیشتر در این زمینه به این منابع مراجعه کنید: مستمسک، ج ۱، ص ۵۳۷ و نیز موسوعۀ الإمام الخوئی، ج ۳، ص ۳۴۳.

دلیل عدم لزوم اعاده در صورت جهل به نجاست لباس یا بدن‌دلیل این حکم نیز ذیل صحیحۀ زراره است که زراره سؤال می‌کند: اگر به نجس بودن گمان پیدا کردم، ولی یقین پیدا نکردم و تفحص نمودم اما نجاست را پیدا نکردم و نماز را خواندم و بعد از نماز نجاست را در لباسم دیدم وظیفه‌ام چیست؟ امام(ع) می‌فرماید: لازم نیست نمازت را اعاده کنی، اما برای نمازهای بعدی لباست را تطهیر کن.

این روایت به روشنی بیانگر آن است که اگر بدن یا لباس شخص نمازگزار نجس باشد، اما او به این نجاست علم پیدا نکرده باشد و با همان حال نماز بخواند، اعاده لازم نیست؛ هر چند بعد از نماز متوجه نجاست شود.

تطبیق

۲. و أما اعتبارها من الخبث فی اللباس، فمما لا كلام فيه. و تدل علیه الروایات الكثيرة و اما لزوم طهارت از خبث در مورد لباس، از چیزهایی است که هیچ اشکالی در آن نیست. و روایات زیادی بر آن دلالت می‌کند،

کصحیحۀ زراره: «قلت له: اصاب صوبی دم رعاف او غیره او شیء من المنی فعلمت أثره الى أن اصیب له الماء مانند صحیحۀ زراره: «به ایشان گفتم: خون بینی یا خون غیر بینی یا منی به لباسم اصابت کرد، پس من جای آن را علامت گذاشتم تا آن را تطهیر کنم؛ فاصبت و حضرت الصلاة و نسیت أن بثوبی شیئاً و صلیت ثم إني ذكرت بعد ذلك. قال: تعید الصلاة و تغسله» و غیرها.

سپس به آب دست یافتم و در نماز حاضر شدم اما فراموش کردم که لباسم نجس است و با همان حال نماز خواندم سپس بعد از آن یادم آمد. امام(ع) فرمود: نمازت را اعاده می‌کنی و لباست را می‌شوئی» و غیر این صحیحۀ.

و إضمار الصحیحۀ لا یضر بعد کون المضر من اجلاء الصحاب الذین لاتلیق بهم الروایة عن غیر الامام. و مضمرة بودن صحیحۀ ضرری نمی‌زند بعد از اینکه شخصی که آن را به صورت مضمرة نقل نموده از بزرگان اصحاب است که در شأن آنان نیست که از غیر امام روایت نقل نمایند.

۳. و أما اعتبارها فی البدن فهو ثابت بالاولویة.

و اما لزوم طهارت بدن، به سبب اولویت ثابت می‌شود.

۴. و أما وجوب الاعادة علی من صلی مع الحدث مطلقاً فلاطلاق الشرطیة المستفادة من الایة الکریمة و صحیحۀ زرارة المتقدمین. و يدل علی ذلك ایضاً حدیث لاتعاد بعد کون الطهارة من الحدث من احد الخمسة المستثناة. و اما وجوب اعاده بر کسی که همراه حدث نماز خوانده است مطلقاً(عمداً، جهلاً یا نسیاناً)، به دلیل اطلاق شرط بودن طهارتی است که از آیه کریمه و صحیحۀ زراره - که هر دو گذشتند- استفاده می‌شود.

۵- و أما الجاهل و الناسی للطهارة من الخبث، فمقتضى اطلاق المستثنى منه في حديث لاتعاد عدم وجوب الاعادة عليهما الا أن صحيحة زرارة دلت على أن الناسی يعيد دون الجاهل.

و اما در مورد جاهل و ناسی طهارت از خبث، مقتضای اطلاق مستثنی منه در حدیث لا تعاد این است که اعاده بر آن دو واجب نباشد اما صحیحۀ زراره دلالت می کند بر اینکه ناسی اعاده می کند، اما جاهل اعاده نمی کند. أما الفقرة الدالة فيها على وجوب الاعادة على الناسی، فقد تقدمت. و اما الفقرة الدالة على عدم وجوب الاعادة على الجاهل، فهي:

و اما فرازی که در صحیحۀ زراره بر وجوب اعاده بر ناسی دلالت می کند، گذشت. و اما فرازی که دلالت می کند بر عدم وجوب اعاده بر جاهل، این است:

«قلت: فان ظننت أنه قد أصابه و لم أتيقن ذلك فنظرت فلم أر فيه شيئاً ثم صليت فرأيت فيه، قال: «تغسله و لاتعيد»»
 «به حضرت عرض کردم: اگر من گمان داشتم به برخورد نجاست به لباسم، ولی یقین پیدا نکردم سپس جستجو کردم اما چیزی در آن ندیدم و بعد نماز خواندم سپس نجاست را در لباسم دیدم، حضرت فرمودند: لباست را می شویی ولی نمازت را اعاده نمی کنی».

و على هذا تكون صحيحة زرارة مخصصة لقاعدة لاتعاد بلحاظ الناسی.

بنابر این صحیحۀ زراره، به لحاظ ناسی مخصّص قاعدۀ «لا تعاد» خواهد بود .،

نسبت به لباس: روایات فراوانی از جمله صحیحۀ زراره	}	دلیل لزوم طهارت از خبث
نسبت به بدن: قیاس اولویت		

ادله لزوم اعاده نماز در صورت جهل یا نسیان طهارت از حدث

دلیل اول: اطلاق آیه شش سوره مائده	}
دلیل دوم: اطلاق صحیحۀ زراره	
دلیل سوم: حدیث «لا تعاد»	

دلیل لزوم اعاده نماز در صورت نسیان تطهیر لباس یا بدن: قسمتی از صحیحۀ زراره «تعید الصلاة و تغسله»

Sco1 ⇨ ۱۷:۳۲

ستر عورت

تا کنون سه شرط از شرایط نماز - وقت؛ رو به قبله بودن و طهارت - را بیان کردیم. شرط چهارم ستر عورت است. «ستر عورت» در نماز واجب و لازم است.

مراد از عورت

مراد از عورت در مردها عبارت است از آلت مردانگی، بیضه‌ها و مخرج غائط؛ اما در زنها تمام بدن عورت محسوب می‌شود.

آنچه عورت محسوب می‌شود نباید در نماز پیدا باشد؛ مگر مواردی که استثنا شده که عبارتند از: الف) صورت؛ ب) دستها تا میچ؛ ج) پاها تا مفصل.

شرایط ساتر عورت^۱:

۱. طاهر باشد.

۲. غصبی نباشد.

۳. از اجزاء غیر ماکول اللحم؛ یعنی حرام گوشت نباشد؛ مثلاً از مو و اجزاء بدن گرگ که غیر ماکول اللحم است نباشد.

۴. از اجزاء میتة نباشد؛ بنابراین اگر لباس مصلی از اجزاء ماکول اللحم مثل گوسفند باشد، ولی حیوان ذبح شرعی نشده باشد باز هم نماز خواندن در چنین لباسی صحیح نیست.

۵. اگر نماز گزار مرد است لباسش از طلا نباشد.^۲

۶. اگر نماز گزار مرد است لباسش از حریر خالص نباشد.

تطبیق

سترالعورة

ستر عورة

لا تصح الصلاة الا مع سترالعورة. و هي في الرجل التضييب و الانثيان و الدبر. و في المرأة جميع بدنها الا الوجه - بمقدار ما يبرز عند الخمار - و الكفين الى الزندين و القدمين الى الساقين.

نماز بدون ستر عورت، باطل است. و عورت در مردان عبارت است از آلت مردانگی، بیضه‌ها و مخرج غائط. و در زنها همه بدن زن بجز قرص صورت - آن مقدار که بعد از انداختن روسری پیداست - و دستها تا میچ و پاها تا مفصل، عورت محسوب می‌شود.

^۱ باید توجه داشت اگر لباس نماز گزار بیشتر از مقداری باشد که عورت او را می‌پوشاند؛ مثلاً مرد پیراهن یا شلوار داشته باشد؛ شرایطی که در اینجا مطرح می‌شود در همه لباس او لازم است.

^۲ هم چنین وجود انگشتر طلا در نماز برای مرد جایز نیست.

و يعتبر في الساتر مضافاً الى طهارته اباحته على المشهور، و عدم كونه من أجزاء ما لا يوكل لحمه، و لا من أجزاء غير المذكى.

بنابر قول مشهور ساتر علاوه بر پاک بودن باید مباح بوده یعنی غصبی نباشد؛ و از اجزاء حیوان حرام گوشت نباشد؛ و نیز از اجزاء حیوانی که ذبح شرعی نشده نباشد.

و يعتبر للرجال أن لا يكون من الذهب او الحرير الخاص.

اگر نمازگزار مرد است لباسش از طلا و حریر خالص نباشد.

و المستند في ذلك:

مستند مسائل پیشین:

۱- أما لزوم الستر في الصلاة، فقد ذكر في المستمسك ان استفادته من النصوص حتى لحالة عدم الناظر غير ممكنة، و العمدة هو الاجماع.

۱. لزوم ستر عورت در نماز؛ مرحوم حکیم در مستمسک^۱ فرموده: از روایات نمی‌توان استفاده کرد که حتی اگر شخص تنها نماز می‌خواند و کسی او را نمی‌بیند ستر عورت لازم باشد؛ و دلیل عمده این حکم، اجماع است.

هذا و الظاهر إمكان ذلك، ففي صحيحة صفوان أنه كتب الى أبي الحسن يسأله:

این مطلب را داشته باش و ظاهر این است که می‌توان از روایت این مطلب را استفاده نمود. در صحیح صفوان آمده است که نامه‌ای خدمت امام موسی کاظم (ع) نوشت و سؤال کرد:

« الرجل معه ثوبان فاصاب احدهما بول و لم يدر أيهما هو و حضرت الصلاة و خاف فوتها و ليس عنده ماء كيف يصنع؟ قال: يصلی فیهما جميعاً.»

«مردی دو تا لباس دارد به یکی از آنها بولی اصابت کرد و نمی‌داند کدام یک است و وقت نماز شد و می‌ترسد که نماز فوت (قضا) شود و آب هم ندارد که تطهیر کند؛ وظیفه‌اش چیست؟ امام فرمود: در هر دو نماز بخواند.»

فانه بترك الستفصال يفهم وجوب الستر و الا كان المناسب الاكتفاء بالصلاة عارياً حالة الأمن من الناظر.

از اینکه امام تفصیل نداده بین اینکه کسی هست یا نیست،^۲ استفاده می‌شود که ستر عورت در نماز لازم است، و الا در حالتی که کسی او را نمی‌بیند مناسب بود که اکتفا شود به نماز به صورت برهنه.

SCO۲:۲۷:۴۶

^۱ عبارت مرحوم حکیم در مستمسک: إثبات عموم الحكم لصورتی وجود الناظر و عدمه بالنصوص غیر ظاهر. و العمدة فيه الإجماع المحقق.

(مستمسک العروة الوثقی؛ ج ۵، ص: ۲۵۱).

^۲ یعنی امام (ع) نفرمود اگر کسی هست با هر دو نماز بخواند و اگر کسی نیست که او را ببیند عریان بخواند.

شرط چهارم نماز: ستر عورت

مراد از عورت

در مردها: آلت مردانگی، بیضه ها و منخرج غائط

در زن‌ها: تمام بدن به جز قرص صورت، دستها تا صورت و پاها تا مفصل ساق

شرایط ساتر عورت

شرایط مشترک بین مردان و زنان

۱. طاهر بودن
۲. غصبی نبودن
۳. از اجزاء حیوان حرام گوشت نبودن
۴. از اجزاء میتة نبودن

شرایط اختصاصی مردان

۱. از طلا نبودن
۲. از حریر خالص نبودن

چکیده

۱. در وجوب طهارت لباس از خبث (نجاست) در نماز، بین فقها اتفاق است و دلیل آن روایات فراوانی از جمله صحیحۀ زراره می‌باشد.
۲. صحیحۀ زراره، گرچه مضمومه است، اما حجت بوده و معتبر می‌باشد؛ زیرا زراره از بزرگان اصحاب است و در شأن او نیست که از غیر معصوم حدیث نقل نماید.
۳. لزوم طهارت بدن از خبث را می‌توان با قیاس اولویت اثبات نمود؛ زیرا اگر شارع راضی نباشد که لباس نمازگزار که عارض بر بدن محسوب می‌شود نجس باشد قطعاً راضی نخواهد بود که بدن او نجس باشد.
۴. اگر شخص عمداً یا نسیاناً یا به دلیل جهل به مسئله بدون طهارت از حدث نماز بخواند، نماز او باطل است؛ سه دلیل برای این مطلب می‌توان اقامه نمود:
 - الف) اطلاق آیه‌ی شش سوره مائده؛ ب) صحیحۀ زراره که می‌فرماید: «لا صلوة الا بطهور»؛ ج) حدیث «لا تعاد».
 ۵. اگر شخص قبل از نماز متوجه نجاست بدن یا لباس خود شده باشد، اما تطهیر آن را فراموش کند باید نماز خود را اعاده نماید که دلیل آن قسمتی از صحیحۀ زراره است.
 ۶. دلیل عدم لزوم اعاده نماز در صورت جاهل بودن به نجاست بدن یا لباس، قسمتی از صحیحۀ زراره است که در آن آمده است: «قلت: فان ظننت انه قد اصابه و لم أتيقن ذلك فنظرت فلم ار فيه شيئاً ثم صليت فرأيت فيه، قال: تغسله و لا تعيد».
 ۷. گرچه اطلاق مستثنی‌منه در حدیث «لا تعاد» اقتضا می‌کند که در صورت جهل به نجاست لباس یا بدن و نیز نسیان تطهیر اعاده لازم نباشد، اما صحیحۀ زراره این حدیث را نسبت به حالت نسیان تخصیص می‌زند و در این حالت، اعاده لازم است.
 ۸. مراد از «طهور» در حدیث «لا تعاد»، طهارت از حدث است.
 ۹. ستر عورت در نماز واجب است و منظور از عورت در مردها عبارت است از: آلت مردانگی، بیضه‌ها و مخرج غائط، و در زنها تمام بدن به جز صورت، دستها تا مچ و پاها تا قوزک.
 ۱۰. شرایط لباس نمازگزار: طاهر باشد؛ غصبی نباشد از اجزاء حیوان حرام گوشت و از اجزاء میته نباشد. اگر نمازگزار مرد است لباس او از طلا و حریر خالص نباشد.